

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده مقاله

آنچه که در این مقاله مطالعه خواهید نمود:

1. آشنایی با فرقه احمد بصري به عنوان مدعي مهدویت و امامت.
2. اثبات اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام در نماز.
3. اعتراف احمد بصري به نزول حضرت عیسی بن مریم علیه السلام در زمان ظهور و اقتداء ایشان در نماز به حضرت مهدی علیه السلام.
4. تناقض گویی های احمد بصري در مورد اقتداء حضرت عیسی علیه السلام در نماز به حضرت مهدی علیه السلام.
5. احمد بصري ادعا می کند حضرت عیسی که هنگام ظهور نزول می کند من هستم.
6. احمد بصري می گوید حضرت عیسی علیه السلام در نماز به من اقتدا می کند.
7. احمد بصري می گوید: به هیچ عنوان نمی توانیم ادعا کنیم حضرت عیسی علیه السلام پشت سر کسی به جز امام زمان علیه السلام نماز می خواند.

مقدمه:

آشنایی با فرقه احمد بصري به عنوان مدعي مهدویت و امامت.

ظهور مدعیان دروغین مهدویت در طول تاریخ اسلام، حقیقتی تلخ است که مسلمانان هر از چند گاهی با آن روبرو می شوند. گاهی صوفیه، گاهی شیخیه، گاهی بابیت، گاهی بهائیت و گاهی مدعی یمانیست دست از آستین پر فریب ابلیس بیرون آورده و با ادعای نجات دهنده گی مردم، به سوی آنها دراز نموده اند. و در این میان کم اطلاعات، ساده لوحان یا غرض ورزانی هستند که ابراز ایمان به این جریان های انحرافی می نمایند و جذب این فرقه های ضاله و منحرف می شوند.

طبق برنامه‌ریزی استعمار و دشمنان اسلام یکی از بهترین راه‌های مبارزه با اسلام درست کردن فرقه‌های منحرف است تا به نام اسلام، اسلام را از بین ببرند همانگونه که با درست کردن داعش و گروهک‌های تکفیری از دل اهل سنت به اسلام ضربه وارد کردند.

در همین راستا و برای تخریب شیعه، یهود و استعمار همان سیاست را در پیش گرفتند تا این بار داعش شیعی را تاسیس کنند.

حتماً تاکنون، ادعاهای فردی که خود را همان یمانی موعود می‌داند و از بصره ظهور کرده به گوشتان خورده است؟

حدود 20 سال پیش جریانی از عراق به عنوان مدعی مهدویت به سرکردگی شخصی به نام احمد بن اسماعیل از قبیله همبوش در شهر بصره با نماد ستاره شش پر اسرائیل اعلام موجودیت کرد.

همو که با وجود شجره‌نامه‌اش به پیامبر صلی الله علیه وآله نمی‌رسد، ادعا می‌کند از نسل امام زمان علیه السلام است و آمده مردم گمراه در دوره غیبت را هدایت کند!

او با کوله‌باری از دعاوی که به 180 ادعا می‌رسد- از جمله مهم‌ترین ادعاهای وی، ادعای الوهیت، نبوت، امامت و رسالت می‌باشد- تبلیغات گسترده‌ای در کشورهای مختلف مخصوصاً عراق و ایران به راه انداخته و با استدلال‌های سبک و در بسیاری موارد مضحک، عده‌ای را به دور خود جمع کرده است.

وی مدعی شده که نبوت ختم نشده است و امامت در ائمه اثنی‌عشر خاتمه نمی‌یابد لذا ادعای امامت، نبوت و رسالت نمود و کار را به جایی رساند که ادعای الوهیت نمود.

وی در آغاز دعوت خویش ادعا کرد تمام مردم جهان و شیعیان که به او ایمان نیاورده‌اند کافر و در حکم ناصبی و نجس هستند و هیچ عملی از آنان قبول نمی‌باشد و به مانند برادر ناتنی خویش داعش، حکم به تکفیر همه مردم داده لذا اعلام نمود اموال مخالفینش برای اتباع وی حلال می‌باشد.

از آنجایی که یکی از اهداف تاسیس این فرقه زیر سوال بردن انبیاء و ائمه علیهم السلام می‌باشد، لذا احمد بصری در کتب مختلف خویش اهانت‌های بسیار زشتی به حجت‌های الهی نموده و مدعی شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام انسان‌های بی‌سواد و جاهلی بوده‌اند که دچار گناه و معصیت شده‌اند تا جایی که مدعی می‌شود امیرالمومنین علیه السلام در خسران بوده و

امام حسین علیه السلام دچار شرک خفی شده و حضرت یونس علیه السلام به علت گناه در شکم نهنگ مرده و به جهنم رفته است!

شاید بتوان مدعی شد که هیچ ادعایی از ادعاهای مدعیان قبلی نمانده است که احمد بصری آن را برای خود ادعا نکرده باشد تا جای که وی مدعی شده است شتر حضرت صالح خود او می‌باشد؛ ادعا کرده وی حضرت خضر مطرح شده در روایات است و کسی است که به جای حضرت عیسی علیه السلام به صلیب کشیده شده است و صدها ادعاهای مضحک این‌چنینی.

وی حتی در مورد یاران خود ادعای عجیبی را مطرح نموده و گفته است که فقط انسان های فاسق و شرابخوار و زناکار به او ایمان می‌آورند.

ما در راستای روشنگری خالصانه نسبت به خطاها و دروغ‌های این جریان، تصمیم به نگارش مقالات کوچک و روان گرفتیم تا در عین عمیق بودن مطالب، در فرصت اندکی حقیقت را برای خواننده واضح نماییم.

روش ما در استناد به کتب جریان

اتباع احمد بصری در قبال مطالب مطرح شده از کتب این جریان مدعی هستند که تمام آنچه که مخالفین ما ذکر می‌کنند کتب خود احمد بصری نیست بلکه کتب انصار وی می‌باشد و اشتباهات آنان ربطی به خود احمد بصری ندارد.

اما پاسخ به این شبهه:

ما در پاسخ به این شبهه ثابت می‌کنیم که اتباع و انصار احمد بصری نه تنها به روایات تسلطی ندارند بلکه به کتب و سخنان امام خودشان هم آگاهی نداشته و ندارند و اگر کتب امام خودشان را مطالعه می‌کردند چنین پاسخی نمی‌دادند؛ زیرا احمد بصری کتب انصار خودش را تایید کرده است و وقتی وی این کتب را تایید کرده یعنی سخن و عقیده او هم همین است لذا تمام کتب این جریان در واقع کتب و عقیده خود احمد محسوب می‌شود.

ما از باب نمونه چند مطلب از احمد بصری در تایید کتب اتباع خودش را بیان می‌کنیم:

1. احمد بصري: براي هدايت به كتب انصار من مراجعه كنيد.

احمد بصري تصريح مي‌كند كه مردم براي آگاهي و كسب علم به كتب انصار و اتباع وي رجوع كنند چنانچه وي در اين مورد چنين گفته است:

ومع ذلك فإن الله سبحانه وتعالى - ولرحمته الواسعة - أيد الأنبياء والأوصياء بآيات كثيرة منها المعجزات والرؤى التي يراها المؤمنون وغيرها مما لست بصدد استقصائه أو مناقشته، فراجع ما كتبه الإخوة أنصار الإمام المهدي عليه السلام حفظهم الله ووفقهم لكل خير في الدنيا والآخرة.

و با اين وجود خداوند سبحانه و تعالي و بخاطر رحمت گسترده او انبياء و اوصياء را با آيات و نشانه هاي زيادي كه از جمله آنها معجزات و روياهايي كه مومنين مي‌بيند و غيره آنها را تايد کرده‌اند كه من در صدد مناقشه و استقصاء آنها نيستم به كتاب‌هايي كه برادران انصار امام مهدي عليه السلام نوشته‌اند مراجعه كنيد.

جهاد درب بهشت است، احمد بصري، ص 71.

2. احمد بصري و معرفي كتب سايت انصار براي آشنائي با حق

در ادعاي ديگر و در همين راستا احمد مدعي مي‌شود كه مردم براي آشنا شدن با حق به كتاب هاي اتباع وي در سايت اين فرقه رجوع كنند:

ويمكنك ان تقررا الكتب في موقع انصار الامام المهدي لتتعرف علي العقيدة الحق وفقكم الله لما يحب و يرضي.

شما مي تواني كتاب هاي سايت انصار امام مهدي عليه السلام را مطالعه كني تا با عقيددهي حق آشنا گردي.

پاسخ هاي روشنگر بر بستر امواج، احمد بصري، ج 6، ص 104.

3. احمد بصري: كتب پيروان من كفايت كنده حقايق است.

وي در عبارت ديگر ادعا مي‌كند كه محققين در مسئله مهدويت بايد به انصار وي رجوع كنند زيرا آنان علم كافي را نداشته و انصار احمد هستند كه در زمينه علمي تخصص لازم را دارند و اين افراد هستند كه اشكالات علمي طلاب و محققين را در زمينه مهدويت حل کرده و پاسخ مي‌دهند و اگر كسي مي‌خواهد در مسئله مهدويت چيزي بفهمد بايد به انصار وي رجوع كند.

ولست في هذا المختصر أريد أن أناقش أخطاء من كتبوا في قضية الإمام (عليه السلام) وفي الإخوة الأنصار من طلبة الحوزة المهدية كفاية و هم متصدون إن شاء الله تعالى لبيان الحقيقة بالتفصيل وأنصح هؤلاء الذين يكتبون حول قضية الإمام المهدي (عليه السلام) أن يقرأوا كتب الأنصار و منها (الرد القاصم) و(الرد الحاسم)، و(النور المبين)،(البلاغ المبين)، و(اليمني الموعود حجة الله) و(طالع المشرق) و(دابة الأرض) وغيرها، ليفهموا شيئاً عن قضية الإمام المهدي و سيتصدي الاخوة الانصار إن شاء الله، لبيان الخط الموجود في كتبكم فأنصفوا أنفسكم وتبينوا الحق.

من در اين كتاب مختصر نمي‌خواهم اشتباهات كساني كه در مورد امام مهدي عليه السلام كتاب نوشته‌اند را بگويم، و برادران انصار (در حوزة امام مهدي عليه السلام) اين امر را عهده‌دار هستند و إن شاء الله متصدي بيان اين حقيقت به طور مفصل خواهند بود . و من تمام كساني كه درباره‌ي امام مهدي عليه السلام كتاب مي‌نويسند را نصيحت مي‌كنم كه كتاب‌هاي انصار را بخوانند كه از جمله آنها كتاب «الرد القاصم» و «الرد الحاسم» و «النور المبين» و «البلاغ المبين» و «يماني موعود حجت خدا» و «طلوع كنده مشرق و دابة الأرض» و... است براي اينكه چيزي از قضيه امام مهدي عليه السلام را بفهمند و چه بسا اگر كسي از هوي و هوس و خود بيني به دور باشد حقيقت را درك كند. و برادران انصار متصدي در آوردن اشتباهات شما در كتابهايتان مي‌باشند پس انصاف داشته باشيد و حق را بيان كنيد.

نصيحة الي طلبة الحوزات العلمية ، احمد بصري، ص 29.

همانگونه که ثابت نمودیم مطالب کتب اتباع احمد بصري مورد تاييد خود وي بوده است و ما به سفارش خود او به کتب انصارش رجوع کرده و اين تناقضگوييهاي آشکار را دیدیم و در نتیجه همه اين تناقضات را از جهالتهاي خود احمد مي دانيم.

اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدي عجل الله فرجه الشريف در روایات اسلامي

يکي از اشتراکات شيعه و اهل سنت و مذاهب اسلامي نزول حضرت عیسی علیه السلام در هنگام ظهور و اقتداء ایشان در نماز به حضرت مهدي علیه السلام مي باشد .

در متون روايي شيعه و اهل سنت اين مسئله به عنوان يکي از مسلمات بحث مهدويت نزد همه علمای امت به عنوان یک امر مسلم پذيرفته شده است؛ در منابع شيعه هم اين مطلب در روايات مختلف و با سندهاي فراوان بيان شده است که از باب نمونه به دو روايت اکتفا مي کنيم؛ مرحوم شيخ صدوق از امام صادق علیه السلام چنين روايت نقل مي کند:

حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن محمد بن عمران رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن عبد الله الكوفي قال: حدثنا موسى بن عمران النخعي، عن عمه الحسين بن يزيد النوفلي، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه، عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن سنن الأنبياء عليهم السلام بما وقع بهم من الغيبات حادثة في القائم منا أهل البيت حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة. قال أبو بصير: فقلت: يا ابن رسول الله ومن القائم منكم أهل البيت؟ فقال: يا أبا بصير هو الخامس من ولد ابني موسى، ذلك ابن سيدة الإماء، يغيب غيبة يرتاب فيها المبطلون، ثم يظهره الله عز وجل فيفتح الله على يده مشارق الأرض ومغاربها، وينزل روح الله عيسى بن مريم عليه السلام فيصلى خلفه وتشرق الأرض بنور ربها، ولا تبقى في الأرض بقعة عبد فيها غير الله عز وجل إلا عبد الله فيها، ويكون الدين كله لله ولو كره المشركون.

ابوبصير گفت: از امام صادق علیه السلام شنيدم که فرمودند: سنتهاي انبيا با غيبتهايي که بر آنان واقع شده است همه در قائم ما اهل بيت مو به مو پديدار مي گردد، ابوبصير گويد: گفتم: يا بن رسول الله! قائم شما اهل بيت کيست؟ فرمود: اي ابوبصير! او پنجمين از فرزندان پسر موسي است او فرزند سيده کنيزان است و غيبتي کند که باطل جويان در آن شک کنند، سپس خدای تعالی او را آشکار کند و بر

دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و در زمین بقعه‌ای نباشد که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود و همه دین از آن خدای تعالی گردد گرچه مشرکان خوشنود نباشند.

کمال الدین و تمام النعمة، الشيخ الصدوق، ص 345، ش 31.

همچنین مرحوم شیخ صدوق روایت دیگری را از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ذکر می‌کند که در این روایت هم تصریح شده است حضرت عیسی علیه السلام به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یازدهمین فرزند و آخرین حجت و مهدی اقتدا می‌فرماید:

حدثنا الحسين بن أحمد بن إدريس رضي الله عنه قال: حدثنا أبي قال: حدثنا أبو سعيد سهل بن زياد الآدمي الرازي قال: حدثنا محمد بن آدم الشيباني عن أبيه آدم بن أبي إياس قال: حدثنا المبارك بن فضالة، عن وهب بن منبه رفعه عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لما عرج بي إلى ربي جل جلاله أتاني النداء: يا محمد! قلت: لبيك رب العظمة لبيك، فأوحى الله تعالى إلي يا محمد فيم اختصم الملا الأعلى؟ قلت: إلهي لا علم لي، فقال: يا محمد هلا اتخذت من الآدميين وزيرا وأخا ووصيا من بعدك؟ فقلت: إلهي ومن أتخذ؟ تخير لي أنت يا إلهي، فأوحى الله إلي: يا محمد قد اخترت لك من الآدميين علي بن أبي طالب، فقلت: إلهي ابن عمي؟ فأوحى الله إلي يا محمد إن عليا وارثك ووارث العلم من بعدك وصاحب لوائك لواء الحمد يوم القيامة وصاحب حوضك، يسقي من ورد عليه من مؤمني أمتك، ثم أوحى الله عز وجل إلي: يا محمد إني قد أقسمت على نفسي قسما حقا لا يشرب من ذلك الحوض مبغض لك ولأهل بيتك وذريتك الطيبين الطاهرين، حقا أقول: يا محمد لأدخلن جميع أمتك الجنة إلا من أبي من خلقي، فقلت: إلهي (هل) واحد يأبى من دخول الجنة؟ فأوحى الله عز وجل إلي: بلى، فقلت: وكيف يأبى؟ فأوحى الله إلي: يا محمد اخترتك من خلقي، واخترت لك وصيا من بعدك، وجعلته منك بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدك، وألقيت محبته في قلبك وجعلته أبا لولدك فحقه بعدك على أمتك كحقك عليهم في حياتك، فمن جحد حقه فقد جحد حقلك، ومن أبى أن يواليه فقد أبى أن يواليك، ومن أبى أن يواليك فقد أبى أن يدخل الجنة، فخررت لله عز وجل ساجدا شكرا لما أنعم علي، فإذا مناديا ينادى ارفع يا محمد رأسك، وسلني أعطك، فقلت: إلهي أجمع أمتي من بعدي على

ولاية علي بن أبي طالب ليردوا جميعا علي حوزي يوم القيامة؟ فأوحى الله تعالى إلي يا محمد إني قد قضيت في عبادي قبل أن أخلقهم، وقضائي ماض فيهم، لأهلك به من أشاء وأهدي به من أشاء. وقد آتيته علمك من بعدك وجعلته وزيرك وخليفتك من بعدك على أهلك وأمتك، عزيمة مني (لأدخل الجنة من أحبه و) لا ادخل الجنة من أبغضه و عاداه وأنكر ولايته بعدك، فمن أبغضه أبغضك، ومن أبغضك أبغضني، ومن عاداه فقد عاداك، ومن عاداك فقد عاداني، ومن أحبه فقد أحبك، ومن أحبك فقد أحبني، وقد جعلت له هذه الفضيلة، وأعطيتك أن أخرج من صلبه أحد عشر مهديا كلهم من ذريتك من البكر البتول، وآخر رجل منهم يصلي خلفه عيسى بن مريم، يملأ الأرض عدلا كما ملئت منهم ظلما وجورا....

و هب بن منبه در حدیثی که به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم رسانیده می گوید رسول خدا فرمود: چون مرا در معراج نزد پروردگار جل جلاله بردند، ندا آمد ای محمد! گفتم لبیک ای پروردگار بزرگ لبیک! خدا بمن وحی کرد ای محمد برای چه خاص به اهل عالم بالا گردیدی؟ عرض کرد معبودا نمی دانم، فرمود ای محمد از میان آدمیان وزیری و برادری و وصی پس از خود گرفتی؟ عرض کردم معبودا چه کسی را بگیرم شما برای من انتخاب کنید، خدا بمن وحی فرستاد ای محمد من از میان آدمیان علی بن ابی طالب را برای تو انتخاب کردم. عرض کردم معبودا پسر عمم را می فرمائید، خدا بمن وحی کرد ای محمد براستی علی وارث تو و وارث علم بعد از تو و پرچمدار تو است لواء حمد در روز قیامت بدست او است و ساقی حوض تو است هر کس از مؤمنان امتت وارد شود بدست او سیراب می شود. سپس خدای عز و جل وحی کرد که ای محمد بدرستی که من قسم یاد کردم بر خود قسمی درست که دشمن تو و خاندانت و نژاد طیب و طاهرت از این حوض نچشد، درست می گویم ای محمد هر آینه همه امتت را به بهشت برم جز آنکه نخواهد، عرض کردم معبودا کسی هست که نخواهد ببهشت رود، خدا بمن وحی کرد آری، عرض کردم چگونه نمی خواهد، خدا بمن وحی کرد من تو را از خلق خود انتخاب کردم و برای تو یک وصی بعد از تو انتخاب کردم و او را نسبت به تو چون هارون قرار دادم نسبت به موسی جز آنکه بعد از تو پیغمبری نیست، محبتش را در دل تو انداختم و او را پدر فرزندان ساختم پس بعد از تو حق او بر امت تو چون حق تو است بر آنها در زمان حیانت هر کس حق او را منکر شود حق تو را منکر شده، هر کس از ولایت او امتناع کند از ولایت تو امتناع کرده و از رفتن به بهشت امتناع کرده است؛ به

شکرانه نعمتی که به من داده است برای خدای عز و جل به سجده افتادم. به ناگاه منادی فریاد کرد ای محمد سر بردار و بخواه از من تا به تو بدهم! عرض کردم معبودا همه امت مرا بعد از من به ولایت علی بن ابی طالب جمع کن تا همه روز قیامت وارد بر حوض من گردند! خدا بمن وحی کرد ای محمد من پیش از آنکه بندگان خود را بیافرینم نسبت به آنها پیش‌بینی‌ها داشتم و قضای من نسبت به آنها جاری است تا آنکه هر که را خواهم بدان هلاک کنم و هر که را خواهم بدان هدایت کنم. من علم تو را بعد از تو به او دادم، تا در بهشت در آورم هر کس او را دوست دارد و به بهشت نبرم هر کس او را دشمن دارد و با او عداوت ورزد و بعد از تو منکر ولایت او باشد! هر که او را دشمن گیرد تو را دشمنی کرده هر کس تو را دشمنی کند با من دشمنی کرده، هر کس با او عداوت ورزد با تو عداوت ورزیده هر کس با تو عداوت ورزد با من عداوت ورزیده، هر کس او را دوست دارد تو را دوست داشته باشد و هر کس تو را دوست دارد مرا دوست داشته این فضیلت را به او دادم و به تو عطا کردم که از پشت او یازده مهدی بیرون آورم که همه از نژاد تو باشند از بطن پاک بتول و آخر مرد آنها کسی باشد که عیسی بن مریم پشت سرش نماز گذارد و زمین را پر از عدل کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد

کمال الدین و تمام النعمة، الشیخ الصدوق، ص 250، ش 1.

اعتراف احمد به نزول حضرت عیسی بن مریم علیه السلام در زمان ظهور و اقتدای ایشان به حضرت مهدی علیه السلام در نماز.

همانگونه که بیان نمودیم این مسئله یکی از مسلمات در نزد فرق اسلامی است و روایات در این باب به حد تواتر معنوی رسیده است و این حجم گسترده روایات تا جایی می‌باشد که خود احمد بصری هم به این نکته تصریح و اعتراف کرده است، چنانچه وی در کتاب سرگردان چنین می‌گوید:

ولادته علیهم السلام سنة 255هـ قبل شهادة ابيه الامام العسكري بخمس سنين وامه حفيدة قيصر ملك الروم يرجع نسبها الي أحد حواری عیسی علیهم السلام... ثم شاء الله أن تقع الغيبة الكبرى وسیقي عليه السلام حیا حتی یملا الارض قسطا و عدلا کمل ملئت ظلما و جورا و جاء ذکره فی التوراة والانجیل

ويسمي فيها (قديم الايام) لطول عمره عليه السلام و ينزل عيسي عليه السلام في زمن قيامة من السماء
وزير له و مؤثدا لحقه.

التيه او الطريق الي الله، احمد البصري، ص 66.

حضرت مهدي عليه السلام ... در سال 255 ه ق متولد شده و در سن پنج سالگي پدرش امام حسن
عسكري به شهادت رسيد و مادرش يكي از نوادگان پادشاه روم كه نسبت آن به حواريون عيسي مي
رسد ... وسپس غيبت كبري امام به خواست خداوند آغاز شد تا امام زنده باقي بماند و زمين را از عدل و
داد پر كند همانگونه كه ظلم و ستم زمين را پر كرده است و در تورات و انجيل نامش قديم الايام ذكر
شده بخاطر طولاني بودن عمر ايشان و عيسي در زمان قيام امام از آسمان فرود مي آيد و او مويد
حقانيت امام است وزير او خواهد شد.

كتاب سرگردان، احمد بصري، ص 83..

احمد بصري در مورد ديگر و در داستان حضرت عيسي عليه السلام در مسئله به صليب كشيده شدن
ايشان در قرآن، به اين نكته تصريح مي كند كه مشركين به اشتباه فكر كردند ايشان را كشته اند و حضرت
عيسي عليه السلام زنده است و دليل زنده بودن حضرت عيسي عليه السلام اين است كه ايشان قرار
است براي ياري دين خدا نزول كرده و پشت سر حضرت مهدي عليه السلام نماز بخواند، چنانچه در
كتاب فتنه گوساله چنين مي گويد:

خداوند سبحان عيسي عليه السلام را زنده نگه داشت و براي آخر الزمان ذخيره نمود و آن حضرت
براي هدايت مردم به صراط مستقيم از آسمان فرود خواهد آمد و آنگاه كه خاتم الاوصياء حضرت مهدي
عليه السلام به حق قيام مي كند تا زمين را از شرک و الحاد و ظلم و فساد پاك سازد و توحيد و عدل و
رحمت را ميان بندگان گسترش دهد حضرت عيسي عليه السلام ياور آن حضرت خواهد بود ... زنده
ماندن حضرت عيسي عليه السلام تا امروز تنها براي آن است كه وقتي در زمان ظهور امام مهدي عليه
السلام فرود مي آيد دين خدا را ياري كند و در پشت آن حضرت نماز بگذارد.

فتنه گوساله، احمد بصري، ج 1، ص 60-78.

يكي ديگر از اعترافات احمد بصري به اين مسئله سخنش در كتاب الجواب المنير است؛ احمد بصري براي اينكه بتواند براي ادعای باطل نبوت و پیامبری خودش و انکار ختم نبوت ادله اقامه کند براي حضرت مهدي عليه السلام ادعای نبوت نموده و در ذیل همین بحث اذعان مي‌کند که حضرت عیسی بن مریم در آخرالزمان نزول کرده و پشت سر حضرت مهدي عليه السلام نماز مي‌خواند.

البته ذکر این نکته لازم است که سخنان و این ادعای باطل وي در رابطه با ادعای نبوت در مقاله مجزا تحت عنوان نقد ادعای نبوت احمد بصري مفصل پاسخ داده شده است.

وي در پاسخ سوالي چنين مي‌گويد:

السؤال / ۳: كيف تقولون أن النبي عيسى يظهر في آخر الزمان ويصلي خلف الشخص الذي تقولون أنه ليس نبي و اسمه محمد المهدي، أليس هذا عجيب؟ وكيف يصلي نبي خلف رجل اليس بني؟

الجواب: ... أيتها الأخت، إن صلاة نبي الله عيسى بن مریم (عليهما السلام) خلف الإمام المهدي الي

تحتمل أمرين:

الأول: أن يكون الإمام المهدي عليه السلام أفضل من نبي الله عيسى عليه السلام، وطبعاً لا يكون الإمام المهدي عليه السلام أفضل إلا إذا كان له مقام النبوة، وفي هذه الحالة لا يوجد موضع للإشكال الذي طرحته. وحتى لو كنت أعتقد بهذا فإني سأطرح الاحتمال الثاني وأجيب عليه. الثاني: أن يكون عيسى الي أفضل من المهدي عليه السلام، وفي هذه الحالة يكون للإشكال الذي طرحته موضع في دائرة البحث عن الحق و الحقيقة. و الجواب موجود في كتابي التوراة و الانجيل أو العهدين القديم و الجديد كما هو موجود في القرآن.

الجواب المنير، احمد البصري ، ج 1، ص 8.

سوال/3: چطور مي‌گويد که حضرت عیسی در آخر الزمان ظهور مي‌کند و در پشت سر کسی که مي‌گويد پیامبر نیست و اسمش محمد المهدي است نماز مي‌خواند آیا این عجیب نیست؟

چطور پیامبر پشت سر کسی که پیامبر نیست نماز مي‌خواند؟

جواب: اي خواهر نماز پیامبر خدا حضرت عیسی بن مریم در پشت امام مهدي عليه السلام دو احتمال دارد يا اينکه امام مهدي عليه السلام برتر از عیسی باشد و طبيعتا امام مهدي وقتي مي‌تواند برتر

باشد که مقام نبوت داشته باشد، در این حالت جای بحث برای سوالی که طرح کردید وجود ندارد با وجود اینکه من به این مورد اول معتقدم ولی احتمال دوم را نیز می‌گویم. و یا اینکه عیسی برتر از امام مهدی علیه السلام باشد در این صورت سوال شما جای بحث و بررسی دارد و جواب آن در دو کتاب تورات و انجیل یا عهد قدیم و عهد جدید و همینطور در قرآن موجود است.

جواب‌های روشن کننده از راه امواج ، احمد بصري، ج 1، ص 8.

در این قسمت، ما از روایات و سخن خود احمد بصري ثابت نمودیم که حضرت عیسی فرزند حضرت مریم در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان نزول کرده و در نماز به حضرت اقتداء می‌نمایند.

تناقض‌های احمد بصري در مورد اقتدای حضرت عیسی علیه السلام در نماز به حضرت مهدی علیه السلام.

از آنجایی که تناقض‌گویی یکی از شاخصه‌های فرقه‌ها است و همین تناقضات بهترین دلیل بطلان این فرقه‌ها می‌باشد، احمد بصري و جریان وی هم از قاعده مستثنی نبوده و در هر مورد دچار تناقض شده است.

1. احمد بصري: حضرت عیسی که هنگام ظهور نزول می‌کند من هستم.

یکی از ادعاهای باطل این جریان، انکار رجعت ائمه و اصحاب آنان در هنگام ظهور است؛ زیرا از بحث رجعت و روایات متواتر در این مسئله به راحتی می‌توان ادعاهای این فرقه را باطل نمود، لذا جریان احمد بصري منکر رجعت ائمه در هنگام ظهور شده و مدعی هستند که رجعت در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در این دنیا نبوده و افرادی که در روایات به آنان اشاره شده است اعم از انبیاء و ائمه و اصحاب آنان خود این افراد نیستند بلکه افراد دیگری می‌باشند که به آنان تشبیه شده‌اند .

در همین راستا احمد بصري در یک ادعای باطل و کذب مدعی شده است که آن شخصی که به نام حضرت عیسی علیه السلام در هنگام ظهور نزول می‌کند پیامبر خدا حضرت عیسی بن مریم نیست! بلکه احمد بصري است!

وي در حالي چنين سخني را گفته است که از کلام خودش ثابت کرديم حضرت عيسي بن مريم است که در هنگام ظهور حضرت مهدي عليه السلام به ايشان اقتدا مي کند! اينکه احمد، مقصود از عيسي است در يکي از کتب اين جريان به نام يماني موعود چنين آمده است:

و اذا رجعنا الي ما قال رسول صلي الله عليه و آله و سلم ينزل عيسي ابن مريم عليه السلام عند انفجار الصبح ... يکسر الصليب و يقتل الخنزير و يهلك الدجال و يقبض اموال القائم و يمشي خلفه اهل الكهف و هو الوزير الايمن للقائم و حاجبه و نائبه و يبسط في المغرب و المشرق الامن من كرامة الجة بن الحسن يبين لنا من قول رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم ان شبيه عيسي عليه السلام المصلوب هو اليماني حيث أن المراد من عيسي في الرواية هو شبيه عيسي عليه السلام و ليس نبي الله عيسي عليه السلام و هو الوزير الايمن للقائم و حاجبه و نائبه و ايضا يتبين هذا من قوله صلي الله عليه و آله و سلم و يمشي خلفه اهل الكهف حيث ان اهل الكهف في زمن الظهور هم فتية من أهل البصرة كما تقدم في البحث.

اليماني الموعود حجة الله، شيخ حيدر زيادي، ص 114.

اگر به آنچه که رسول خدا فرموده برگرديم (عيسي فرزند مريم هنگام طلوع فجر صبح نزول مي کند صليب را شکسته و خوک را مي کشد و دجال را به هلاکت رسانده و اموال قائم را باز پس مي گيرد و اهل كهف کنار ايشان به راه مي افتند و او وزير راست قائم و حجاب و نائب ايشان است آنگاه با کرامتي از حجت بن الحسن امنيت را در مشرق و مغرب گسترش مي دهد (غاية المرام هاشم بحراني ج 7 ص 29) و در اینجا از قول رسول خدا واضح مي شود که شبيه اعدام شده عيسي همان يماني است زیرا که مراد از عيسي در روايت شبيه عيسي و نه پیامبر خدا عيسي است و او وزير راست قائم و حجاب و نائب ايشان است.

اين موضوع از قول ايشان «اهل كهف کنار ايشان به راه مي افتند» واضح است زیرا که اهل كهف همانطور که در بحث سابق آمده در زمان ظهور جواناني از بصره هستند.

يماني موعود حجت الله، شيخ حيدر زيادي، ص 185.

در اين مطلب احمد با مطالب گذشته وي چند تناقض آشکار وجود دارد:

1. فارغ از ذکر دلائل بسیار زيادي که در اثبات باطل بودن اين ادعای پوچ وجود دارد، از اتباع احمد بصري سوال داريم که چگونه احمد بصري همان حضرت عيسي عليه السلام مي باشد در حالي که در روايات و اعتراف خود احمد تصريح شده بود عيسي بن مريم از آسمان نزول مي کند، مگر احمد فرزند حضرت مريم است؟ پاسخ اتباع احمد به اين تناقضگويي امام شان چيست؟

2. احمد بصري در قسمت قبلي تصريح کرده بود که حضرت عيسي عليه السلام توسط خداوند زنده نگه داشته شد تا اينکه زمان ظهور از آسمان نزول کند و دشمنان ايشان به اشتباه فکر کردند که حضرت را به صليب کشيده و کشته اند؛ اين سخن سابق وي با اين مطلب اخير در تناقض و تعارض است زيرا احمد بصري متولد سال 1968 ميلادي مي باشد. يعني 52 سال پيش در بصره به دنيا آمده است، آيا اتباع احمد براي اين تناقض گويي پاسخ دارند؟

2. احمد بصري: حضرت عيسي عليه السلام به من در نماز اقتدا مي کند.

احمد بصري و اتباع وي با تفسير اشتباه و غلط روايتي، ادعا کرده اند که احمد بصري امام سيزدهم است! (در مورد برداشت اشتباه آنها و فهم غلط آنها در مورد اين روايت، به صورت مجزا سخن گفته شده است) نکته مورد نظر ما در مقاله اين استدلال وي مي باشد که مدعي شده است او شخصي است که حضرت عيسي عليه السلام پشت سر وي نماز مي خواند! يعني عيسي به احمد بصري اقتدا مي کند؛ چنانچه در يکي از کتب اين جريان به نام جامع الادله چنين آمده است:

عدتهم عدة أشهر السنة أي ان عددهم اثنا عشر و هواء الاثنا عشر عليه السلام هم أبناء فاطمة و علي عليهما السلام اذن بالنتيجة يكون أحمد هو كمال عدتهم أي هو الثاني عضر منهم و هو الذي يصلي خلفه عيسي عليه السلام اذن هو القائم.

پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم که (تعداد آنها به تعداد ماههاي سال است): يعني تعداد آنها دوازده نفر است، و اين دوازده نفر فرزندان حضرت زهرا و امير المومنين عليهما السلام هستند پس احمد آخرين آنها هستند و تکميل کننده عددي آنها و او دوازدهمين نفر از آنهاست و او کسي که که عيسي عليه السلام پشت سرش نماز مي خواند؛ پس او قائم است.

نتیجه بحث ما و تناقضات احمد بصري تا اینجا چنین است که احمد:

- 1- در مرحله اول اذعان کرده بود حضرت عیسی بن مریم زنده است و ایشان هنگام ظهور از آسمان نزول کرده و در نماز به حضرت حجت بن الحسن المهدي العسكري علیه السلام اقتدا می نماید.
- 2- آن قائم و مهدي که حضرت عیسی بن مریم پشت سر ایشان نماز می خواند احمد بصري است.
- 3- آن حضرت عیسی علیه السلام که در زمان ظهور از آسمان نزول می کند و به حضرت مهدي علیه السلام اقتداء می نماید احمد بصري است.

به هیچ عنوان نمی توانیم ادعا کنیم حضرت عیسی علیه السلام پشت سر کسی به جز امام زمان علیه السلام نماز می خواند.

در کنار این سه مورد، مطلب و تناقض دیگری را مطرح می کنیم تا بر تعجب شما از تناقضات آشکار این فرقه ضاله بیافزاییم.

ناظم العقيلي ليدر اصلي جريان احمد تصريح می کند که طبق روایات به هیچ عنوان نمی توان مدعی شد که حضرت عیسی علیه السلام به کسی دیگر جز خود امام زمان علیه السلام اقتداء نماید، چنانچه ناظم العقيلي چنین می گوید:

فان اكثر الروایات التي تعني الامام المهدي محمد بن الحسن علیه السلام تذكر الامام بقريته تدل عليه و تمیزه عن غيره و اليك بعض هذه الروایات و اعتذر عن الاحاطه بكا التفاصيل فان ذلك يحتاج إلى بحث مستقل ولكن لا يسقط الميسور بالمعسور، وكثيرة هي القرائن التي تميز شخص الإمام المهدي علیه السلام، منها: الإمام، يصلي خلفه عیسی بن مریم، محمد بن الحسن العسكري، صاحب الغيبة الطويلة، ابن سبیه، ابن سیده الإمام، ذو الخال والشامتين، التاسع من ولد الحسين علیه السلام، الثاني عشر من الأئمة، يقتل الدجال، في كتفه علامة النبي، الذي يقوم بين الركن والمقام، وغيرها من القرائن الخاصة بالإمام المهدي الي ولا يمكن أن تنطبق على غيره.

پس اکثر روایاتی که در خصوص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محمد بن الحسن علیه السلام می‌باشد با یک قرینه امام را یاد می‌کند و دلالت بر وی می‌کند و جدا می‌کند شخص غیر از او را و این روایت‌ها تقدیم به شما و عذرخواهی می‌کنم به خاطر نقل کم روایت‌ها و عدم پرداختن به تفصیل آنها که آن نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد و آنچه محقق می‌شود در مدت زمان کم محصول نمی‌شود، و خیلی از قرائنی که امام مهدی علیه السلام را از بقیه جدا می‌کند از جمله: حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند، محمد بن حسن عسکری کسی غیبت طولانی دارد، فرزند زن اسیر، فرزند بهترین زن‌ها، دارای دو خال می‌باشد، نهمی از فرزندان امام حسین علیه السلام، دوازدهمین نفر از امامان، دجال را می‌کشد، در پهلویش علامت پیامبر صلی الله علیه و آله است، بیت رکن و مقام بر می‌خیزد، و خیلی دیگر از قرائن موجود راجع به امام مهدی علیه السلام، و به هیچ عنوان نمی‌شود به شخص دیگری منطبق شوند.

ایقاز النائم لاستقبال القائم، ناظم العقیلي، ص 67.

نتیجه گیری:

خلاصه آنچه که در این مقاله نسبت به تناقضگویی احمد بصری و اتباع وی ذکر گردید چنین است:

1. احمد بصری: حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نزول می‌کند و به حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام در نماز اقتداء می‌کند.
2. احمد بصری: آن قائم و مهدی که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر ایشان نماز می‌خواند حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام نیست بلکه خود من می‌باشم.
3. احمد بصری: آن عیسی که در زمان ظهور از آسمان نزول می‌کند و به حضرت مهدی علیه السلام اقتداء می‌نماید عیسی بن مریم علیه السلام نیست بلکه خود من می‌باشم.
4. احمد بصری: حضرت عیسی بن مریم علیه السلام فقط پشت سر حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام نماز می‌خواند و نه شخص دیگر.

طبق این چهار مورد، احمد بصري خودش به عنوان حضرت عیسی پشت سر خودش به عنوان قائم آل محمد صلي الله عليه و آله و سلم نماز ميخواند و اقتداء مي نمايد در حالي که معتقد است چنین مسئلهاي محال بوده و طبق روایات به هیچ عنوان این امر ممکن نیست.

اکنون نظر شما در مورد چنین شخصي چیست؟

موفق باشید

واحد مهدویت موسسه جهاني حضرت ولي عصر(عج)